

دفع مسؤلیت، دائماً از این حرف‌ها می‌زنید، بدانید که اگر مهاجر چاره‌ای داشت، به تهران نمی‌آمد. حتماً، یک مرگی دارد که به تهران مهاجرت می‌کند؟ مگر مهاجر ایرانی نیست؟ که این گونه از او صحبت می‌کنید. مگر مهاجر زنگی و جزامی است؟ مگر در این مملکت، جامعه شناس وجود ندارد که با او مشاوره‌ای بکنید؟ بروید و راه حل اصولی پیدا کنید و این قدر نگویید که همه‌ی بدبختی‌های ما از این و آن است.

سال‌ها قبل، تهران شهرداری داشت به نام مهام. این آقای مهام، نقطه‌ی عطفی در شهرسازی ایران بود. می‌دانید چرا؟ این آقای مهام، اولین شهرداری بود که دستور داد میادین تهران را گل کاری کنند. در وسط این میادین، استخرهایی ایجاد کرد و دور بر آن‌ها را فواره کار گذاشت؛ که شب‌های عید و جمعه‌ها، نورافکن‌هایی این فواره‌ها را روشن و رنگین می‌کردند. در میان این گل کاری‌ها، دستور داد چندین چراغ به شکل قارچ نصب کنند. می‌گویند که این کارها که خیلی خوب بود. بنده‌هم با شما موافقم؛ مخصوصاً اگر به‌خاطر داشته باشید (پیرترها را می‌گویم)، تعدادی هم کارت پستال از این میادین تهیه شد و عکاسان آن دوره را به‌نان و نوایی رساند. ولی، ولی دیری نپایید که همه‌ی شهرداران ایران، شروع به‌احداث میادین گل و بته‌دار در شهرهاشان کردند. در بعضی از این شهرها، که بافتی موافق با این طرح داشتند، کار به‌خوبی پیش رفت. ولی، در شهرهایی که بافتی سنتی داشتند، صحنه‌هایی نا متناسب، متضاد و خنده‌دار به‌وجود آمد. سبک و کار مهام، که در این‌جا بهتر است آن را مهامیسم بنامیم، متعلق به‌رژیم سابق بود، که زیاد در بند سنت و این جور حرف‌ها و چیزها نبود. در آن دوران، هر کسی با 9000 تومان تور 21 روزه می‌گرفت و می‌رفت دور فرنگستان می‌گشت و می‌آمد. گمرک‌چی آن دوران هم، زیاد در بند این نبود که توی چمدان این بابا چیست. حکومت، با هجوم فرهنگ غربی مبارزه‌ای آشکار نمی‌کرد و جلوی آن را نمی‌گرفت. به‌این ترتیب، ده‌ها برج کوتاه و بلند در محدوده‌ی بیابان‌های ونک ساخته شد. آ. اس. پ، ونک پارک، پارک دو پرنس، سامان دوم و.... در آن بیابان‌ها، کسی به‌فکر «چهار دیواری اختیاری» نبود. آن‌ها، غرب زده بودند و بی بند و بار. اشراف داشتن و مشرف بودن، برایشان مسئله‌ی حادی نبود.

اکنون، در مقابل مهمامیسم، «خودیاریسم» را داریم. که صد البته، این خودیاریسم خود پیرو سنت می‌داند. به‌همین علت است که، در معماری شهر تهران تحولی ایجاد شده، و ساختمان‌هایی با رو آجر، جای خود را به‌ساختمان‌هایی با روکار سنگ و آجر سه سانتی داده است. خودیاریسم چیست؟ خودیاریسم، که از «پولداریسم» مشتق می‌شود، عملی است که با آن، شما می‌توانید هرکاری که دلتان می‌خواهد بکنید. به‌همین ترتیب است که، یکی از «عزیزان شهروند»، به‌یکی از روزنامه‌ها چنین می‌نویسد: «خانه‌های یک طبقه‌ای که میدل به‌چند دستگاه آپارتمان می‌شوند، علاوه بر این که موجب کاستن فضای سبز خانه‌های ویلایی و بریده شدن درختان چند ساله می‌گردد، مشکل دیگری هم ایجاد می‌کند، و آن مشرف شدن طبقات جدیدالحداث آپارتمان، بر خانه‌های همسایگان مجاور است. اگر، شهرداری تصمیم دارد که این رویه، و صدور جواز، برای تخریب خانه‌های یک طبقه ادامه پیدا کند، لاقلاً فکری به‌حال شهروندانی که منازل‌شان «مشرف» پیدا می‌کند بنماید.» (نقل از ستون «خط ارتباطی اطلاعات با مردم» روزنامه‌ی اطلاعات، شماره‌ی 19506، روز شنبه 30 آذر 1370).